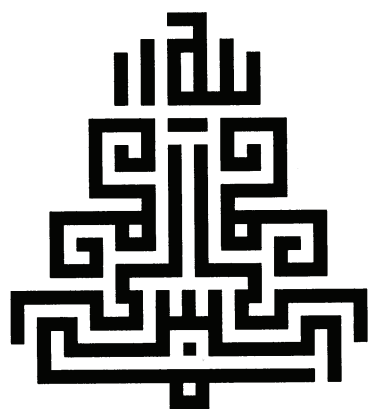
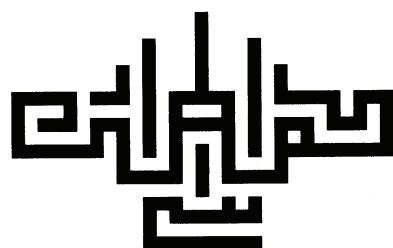






ترجمہ و متن

اسرار النقطہ

یا

توحید مکاشفان

امیر سید علی ہمدانی

عارف کبیر قرن ہشتم

مقدمہ، تصحیح، ترجمہ و تعلیق:

محمد خواجہ جوی



انتشارات مولیٰ

سرشناسه: همدانی، علی بن شهاب الدین، ۷۱۴-۷۸۶ق.
 عنوان فرادای: الرسالة القدسیة فی اسرار النقطه الحسیه، فارسی.
 عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و متن اسرار النقطه، یا توحید مکاشفان/ از امیرسید علی همدانی، مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق، محمد خواجوی
 مشخصات نشر: تهران، موی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: چهل، ۱۱۲ س، عکس.
 شابک: 978-964-5996-17-6
 یادداشت: چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
 یادداشت: کتابخانه به صورت زیرنویس.
 یادداشت: نمایه.
 عنوان دیگر: توحید مکاشفان.
 موضوع: همدانی، علی بن شهاب الدین، ۷۱۴-۷۸۶ق. — سرگشتنامه
 موضوع: نقشه با
 شناسه افزوده: خواجوی، محمد، ۱۳۳۳-۱۳۹۱.
 رده بندی کنگره: ۱۳۷۶ ۴۱-۵۸۵/۴/۲۷۹۹ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۷-۲۶۲۵



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب-چهارراه ابوریحان-شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳-۶۶۴۰۰۰۷۹

www.molapub.com • Email: molapub@yahoo.com

اسرار النقطه • امیرسید علی همدانی

مقدمه، تصحیح، ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی

چاپ اول تا سوم: ۱۳۷۶ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸ • چاپ چهارم: ۱۳۹۳ = ۱۴۳۶ • ۱۱۰۰ نسخه • ۹۷/۴
 ۹۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۹۶-۱۷-۶ ISBN: 978-964-5996-17-6

چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی
 ۱۵۰۰۰۰، نال

فهرست مطالب

پانزده	مقدمه:
هفده	معرفی نسخ
بیست	بیان احوال امیر سید علی همدانی
بیست و سه	بیان سند خرقه او
سی	بیان وفات او
سی و یک	بیان رسائل او
سی و دو	بیان او را در فتحیه
سی و سه	معرفی حضرت میر از زبان دیگران
سی و چهار	بیان بُرسی درباره نقطه
۱	ترجمه اسرار النقطه:
۳	خطبه
	در اینکه حقیقت معلوم به واسطه شدت نورانیت و غلبه ظهور از دیدگان ضعیف محتجب و پوشیده است.
۷	
۸	در اینکه نقطه تعبیری است از سر هویت عیبی مطلق، و بیان وعاء زمان و دهر و سرمد و ازل.
	در اینکه نسبت نقطه به مراتب حروف مانند نسبت تعین اول است به مراتب اعیان و حقایق موجودات.
۹	

شش / ترجمه اسرار النقطه

- در اینکه نقطه آغاز امتداد نفس «الفی» است در درجات مخارج انسانی، و بیان تحلیلات
ایجادى در امتدادات نفس رحمانی، و بیان وحدت حقیقی و وجود اضافی و سریان نفس
رحمانی در حقایق افراد موجودات، و عین کل گردیدنش - با پوشیده شدنش در ماهیات
۱۰ آنها..
- در بیان تجلی نوری و وجود مطلق و رقیقه عشقی و کیفیت و انگیزه خلقت مرحق تعالی را.
۱۱ در بیان اینکه نفس رحمانی خمیرمایه و ماده صور موجودات کونی است و مانند نفس
انسانی دارای سه مرتبه است: مرتبه پیش از امتدادش و مرتبه امتدادش و مرتبه تعینش در
۱۲ مراتب موجودات، و اینکه نفس رحمانی مطلق وجود است و همان «عما» می باشد.
- در بیان نظر برخی از عرفا که نفس رحمانی را حقیقت محمدیه و وجود عام و وجود منبسط
۱۳ و خلق ساکن می دانند.
- در بیان اینکه: چون نقطه عین حقیقت «الفی» است، «الف» نیز عین تعینات حروفی است
۱۴ در بیان خلیفه و انسان کامل الهی که مظهریت دو اسم: الظاهر و الباطن را دارد که باطنش
شامل عقل کلی، یعنی قلم اعلا و روح اعظم است، و بیان انسان کبیر و انسان صغیر و
۱۳ تعریفاتی از نفس رحمانی و ام الكتاب و تجلی ساری و غیره.
- در بیان اینکه چون حقیقت «الفی» هیولای صورت حروف لفظی و خطی بوده و حقایق
حروف، تعینات نفسی آن در مراتب مخارج است، هویت غیبی نیز هیولای نفس رحمانی،
و نفس رحمانی هیولای صور کلمات کونی، و صور موجودات کونی تنوعات تجلیات آن
۱۴ هویت غیبی اند.
- در بیان دلالت لفظی و مطابقی و تضمینی و التزامی، و بیان موالید سه گانه و تجلی احدی ذاتی.
۱۵ در بیان جلا و استجلا و مقام «اوادنی» و تجلی اول و دوم و مقام «قاب قوسین» و تعین اول و
دوم و بیان قابل فیض منبسط ظهوری و تعریف «عما» و فیض اقدس و تجلیات ربانی، و
ملازم بودن ربوبیت با مربوبات نسبی، و ظهور الوهیت به واسطه ظاهر گردیدن مراتب -
۱۶ امکانی در بیان تفسیر اسم «رب» و مراتب آن.

فهرست مطالب / هفت

- در بیان «باء» بسمله که اشاره است به پرشیده شدن احدیت هویت در پرده‌های در جات
امکانی، و نیز اشاره است به تجلیات وجودی که به واسطه فیضانش افراد مراتب موجودات
تکوین می‌یابند. ۱۹
- در بیان کسره «باء» بسمله که اشاره است به اینکه چون نقطه کلید رازهای اعیان کلمات
است، همین‌طور اشاره است به گشوده شدن دروازه‌های عالم امکان به واسطه تعین اول که
کلید رازهای پنهان و رابطه تعلق قدرت به مقدورات و علم به معلومات است و از آن،
دروازه‌های مراتب جبروت و حقایق ملکوت گشوده می‌شود. ۲۰
- در بیان اینکه هر حقیقتی عبارت است از حرف غیبی و کلمه غیبی و حرف وجودی و کلمه
وجودی. ۲۰
- در بیان اینکه هر یک از نقطه و اعراب دارای پنج مرتبه ثبوتی و ششمی سلبی می‌باشد. ۲۱
- در بیان اینکه او - تعالی - در آخر بودنش اول است و در اول بودنش آخر و در باطن بودنش
ظاهر است و در مظاهر ظهورش باطن. ۲۱
- در بیان اصالت و وحدت وجود از زبان مولوی و عطار و ابن عربی و قونوی و ملاصدرا و
غیرهم - قدس الله اسرارهم - . ۲۱
- در بیان اینکه نقطه هیولای کلمات است و به ذات خود تمامی موجودات را قابل است و در
مقابل تمامی مراتب وجود کامل و تام است. چون تمامی موجودات با حقایق کلام مطابقه
دارند - و بیان عوارض ذاتی و غیرذاتی - . ۲۴
- در بیان اینکه واحد خود عدد نیست ولی اعداد از آن پدید می‌آیند، و مطابقه بین نقطه و
حروف و جابجایی آن در حروف و حروف ابجدی. ۲۵
- در بیان شکل نقطه که کروی است و شکل مدور بهترین شکلهاست و مطابقه‌اش با ذات
قدیم تعالی که منزله از جهات و آمیزش به امکانیات و ناممکن بودن تعریف حقیقت ذات او. ۲۷
- در بیان جهات نقطه حسی و مطابقه‌اش با انسان، و تو جهات نقطه و کره به جهات و نواحی
مختلف عالم اشاره است به سریان تجلیات وجودی و احاطه مراتب علمی ذاتی او به

هشت / ترجمه اسرار النقطه

- حقایق افراد مراتب امکانی، و هویدا شدن ذرات موجودات به ظهور اسرار معیت وی و
۲۸ در نور دیده شدن تعینات کثرت اسمائی در تابش انوار وحدت ذاتی و...
- در بیان تقسیم اسماء به سه کلی: اسماء ذات و اسماء صفات و اسماء افعال و شرح مراتب
۲۹ اسماء.
- در بیان اختلاف احکام ازلی و تغییرات شئون ربانی و پوشیده شدن احکام جلالی به صور
مظاهر قهر و غلبه و انعکاس حقایق جمالی در آیینه های شئون لطفی و بیان برخورد غیبی دو
۳۰ صفت اراده و قدرت که کلام پدید می آید و قدیم و حادث بودن کلام.
- در بیان اختلاف مشاهده یک یا دو مشاهده گر در یک یا دو حالت به نقطه که اشاره است به
تفاوت سیر و سلوک سالکان راه حق و اختلاف آنان و گوناگون بودن مقامات اهل وجدان و
۳۲ بواطن اهل کشف.
- در بیان اینکه خداوند در یک صورت دوبار تجلی نمی کند و نیز در یک صورت مر دو کس
را تجلی نمی کند.
- ۳۲
- در بیان اقسام پنج گانه حرکت نقطه، و شش گونه ای حرکات در عالم کون و فساد.
- ۳۳
- در بیان اینکه نقطه مرکزی اشاره است به احدیت مطلقه و حقیقت هویت غیبی، و مراتب
تنزل او - تعالی - به شانی کلی - یعنی حقیقت محمدیه - که برزخ بین احدیت و واحدیت
۳۳ می باشد، و بیان معیت حق تعالی با اشیا و قیومیت وی مر آنها را و بیان مغایرت ظاهر با مظهر.
- در بیان نقطه های هفت گانه که اشاره است به لطایف هفت گانه (قلبی) که شامل بدن و نفس و
قلب و سر و روح و خفی و اخفی می شود، و اشاره به نمازهای حقیقی که هر یک لطیفه ای دارد.
- ۳۵
- در بیان علم لطیفه قلبی که نمازش تعلق به برپاداشتن اوضاع شرعی و مراعات ارکان
عرفی... دارد.
- ۳۶
- در بیان روح های پنج گانه و بیان مفصل صدر المتألهین درباره روح انسانی که جوهری مفارق و
عقلی و از عالم امر الهی می باشد، و نقش ناطقه، دمیده شده از روح الله است و نفس حیوانیه
است که در دنیا و آخرت محل شقاوت می گردد، و بیان روح اضافی از حضرت سید قدس سره.
- ۳۶

فهرست مطالب / نه

- در بیان مفصل مراتب قوه علمیه که هفت است: غیب حس و غیب نفس و غیب قلب و غیب عقل و غیب سر و غیب روح و غیب خفی، و بیان مراتب قوه عملی که بروزان قوه علمی می باشد. ۳۸
- در بیان علم لطیفه قلبی که همان قلب سلیم است و مقام ابراهیم و طور ولایت، که هر کس داخل آن شد در امن است و مکّه معنوی همین دل است که خانه حقیقی خداست، این قلب به واسطه عقل نظری از غیب سر استمداد می جوید و نمازش همراه با حضور و مراقبه است. ۳۹
- در بیان علم لطیفه سرتی است که تعلق به تجلیات و مکاشفات دارد و به واسطه مسامرات از غیب روح استمداد می جوید و نمازش همراه با مناجات و مکالمه است. ۴۰
- در بیان علم لطیفه روحی که علم ذوقی و لدنی است که تعلق به مشاهدات و مواصلات داشته و از غیب خفی استمداد می جوید و نمازش همراه با مشاهده و معاینه است. ۴۰
- در بیان علم لطیفه خفی که علم اجمالی است و تعلق به اسرار محبت و تفرید دارد و از غیب الغیوب باری تعالی استمداد می جوید و نمازش همراه با مناجات و ملاطفه است. ۴۰
- در بیان نقطه های هفت گانه است که اشاره به بهشت های هشت گانه است و عکس حقایق صورت های تفصیلی آن، اشاره به درکات و گودال های هفت گانه دوزخ دارد. ۴۱
- در بیان اینکه بهشت های هشت گانه با در جانش، همگی مظاهر جلال مراتب لاهوتی و جبروتی اند و درکات و گودال های هفت گانه آتشین، همگی مظاهر نقایض هفت گانه جهان مادی می باشد. ۴۱
- در بیان حرکت گردشی و راست نقطه و بیان اعداد بسیط و اعداد مرکب. ۴۲
- در بیان عدد چهار و راز حاملان عرش که چهاراند و عناصر طبیعت و بادها و جهات عالم... چهار است. ۴۲
- در بیان تسبیح این امور چهارتایی که گواه بر چهار اسم الهی: حی و عالم و مرید و قادر می باشند. ۴۳
- در بیان مظاهر کلی اسمائی این اسماء چهارگانه که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل اند. ۴۴

- در بیان حرکت امتدادی نقطه به سوی بالا که اشاره است به انتقالات سه گانه روحانی و بیرون آمدن های معنوی در مراتب مثالی و درجات ملکوتی و مراتب جبروتی و شرح آنها. ۴۵
- در بیان جنت ذات و جنت صفات و جنت افعال و شرح عالم جبروت. ۴۶
- در بیان معاد و رستاخیز انسانی و شرح عالم مثال و صاحبان قیامت صفرا و قیامت وسطا و قیامت کبرا و بیان رب النوع و فرد مجرد عقلانی، و اینکه فیض وجود از عالم عقل توسط افراد مثالی به افراد مادی می رسد و بیان بدن مثالی صعودی و مثال مقید و غیر اینها. ۴۷
- در بیان شرح مفصل عالم برزخ و قیامت های سه گانه از زبان عارف مثله - آملی - . ۴۹
- در بیان حرکت امتدادی نقطه به سوی پائین که اشاره است به تنزلات الهی و ظهورات ربانی در عوالم مختلف، و بیان اتحاد ظاهر و مظهر بر قاعده ظهور که عبارت است از تبعیت ظاهر، در تعیین آن مظهر - که در ظهور برعکس است - و اینکه ممکن آینه او و او آینه حالات اوست. ۵۱
- در بیان عوالم کلیه که به نام حضرات خمس نامیده می شود که عبارت از عالم هویت غیب مطلق و عالم جبروت و عالم ملکوت و عالم ملک و عالم انسان می باشد. ۵۲
- در بیان فروز آمدن های چهارگانه نقطه که تعبیر است از تنزل حق تعالی از مرتبه احدیت به مرتبه واحدیت و ظهورش در عالم جبروت به صور عقول و نفوس مجرد، و به عالم ملکوت که همان عالم امر و لوح محفوظ است، و به عالم ملک که عالم حس و شهادت و اجرام آسمانی و بسایط عنصری - و شرح لوح محفوظ و قلم و عرش و کرسی از زبان عرفا و حکما - و به عالم ناسوتی مادی و ظهورش در مظاهر کمالی انسانی و عکوس اسماء الهی مانند حیات و علم و اراده و قدرت و سمع و بصر و کلام. ۵۳
- در بیان حرکت امتدادی نقطه در جهت عرض که اشاره است به تجلیات وجودی، و بیان اینکه نسبت کلمات وجودی به حق تعالی، نسبت کلمات کتابی است به نویسنده. ۵۴
- در بیان مراتب «نون» که پنج مرتبه است و قلم های چهارگانه که کلمات وجودی را بر صفحه چهره های قابلیت پیوسته می نویسند، «نون» دوات های پنجگانه است. ۵۵
- در بیان حرکت ممتد نقطه به عقب که اشاره است به بازگشت آثار تجلیات تقییدی از

فهرست مطالب / یازده

- مظاهر زیرین و سفلیات ظاهری به غیب علویات باطنی و از آنجا به غیب احدیت و
حقیقت هویت مطلقه الهی. ۵۶
- در بیان نقطه‌های چهارگانه که اشاره است به حیات چهارگانه صوری و معنوی و پاک و
حقیقی، و در مقابل آنها مراتب مرگ‌های ارادی چهارگانه و قیامت‌های چهارگانه صغرا و
وسطا و عظما و کبراست. ۵۶
- در بیان مرگ‌های چهارگانه ارادی که مرگ سیاه و مرگ سرخ و مرگ سبز و مرگ سفید که
عرفا آنها را تخلیه و ترکیه و خلع و فنا نامند. ۵۷
- در بیان مراتب قوه علمیه در نزد حکما که مرتبه عقل هیولانی و بالملکه و بالفعل و مستفاد
می‌باشد. ۵۷
- در بیان مراتب فنا که فنای افعال (محو) و فنای صفات (طمس) و فنای ذات (محق) می‌باشد. ۵۸
- در بیان قیامت صغرای معنوی و قیامت وسطای معنوی و قیامت کبرای معنوی از زبان عارف
مثاله سید حیدر آملی، و اینکه معاد عبارت است از بازگشت هر مظهری به اسمی که در او
ظهور کرده است. ۵۹
- بحث مفصلی در اینکه اسماء افعال به حسب احکامشان چندین بخش می‌شوند، از جمله
اسمائی هستند که حکمشان هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد، مانند اسمائی که حاکم بر ارواح
قدسی و نفوس ملکوتی اند، و اسمائی که تا ابد حکمشان انقطاع نمی‌پذیرد. اگر چه در ازل
الازل منقطع الحکم‌اند. و امثال این مطالب. ۶۰

متن عربی اسرار النقطه

فهرست‌ها

- ۹۱
۹۳ فهرست آیات
۹۴ فهرست احادیث
۹۶ فهرست اقوال
۹۷ فهرست اعلام و اصطلاحات

هُوَ

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس مر پروردگاری را که خلاق را بقدرت کامله‌اش آفرید و
بواسطه آثار آفرینش و نشانه‌های الهیش، آنان را بر شناخت و عرفان
خویش دلالت و راهنمایی کرد و از بین آفریدگانش برگزیدگانی را،
و از برگزیدگان، بندگان را که بهترین خلاق و چشم و چراغ
آفرینش اند انتخاب، و سرور بهترین را شمع خلقت و طراز دفتر
آدمیت قرار داد.

سلام و درود الهی و فرشتگان و فرزندان عالم وجود بر چنین
برگزیده و خورشید جهان افروزی باد که گمگشتگان بیدای جهالت
و گمراهی را به شاهراه هدایت و رستگاری رهنمون گشته، و قافله
سالاری که در پیش شده و دست دلها دامن وی را سخت فراچنگ
آورده؛ سپس درود بر وصی و خلیفه و ختم ولایت کلیه‌اش و بر آل
و اولاد امجاد او، بویژه خاتم الاوصیاء و قطب عالم امکان، حجت بن
الحسن - امام زمان - روحی و روح العالمین له الفداء باد.

چهارده / اسرار النقطه

بر خوانندگان و عرفان پژوهان پوشیده نیست که این رساله - رساله القدسیه - معروف به اسرار النقطه عارف کبیر قرن هشتم هجری - حضرت امیر سیدعلی همدانی قدس سره، الملقب به «علی ثانی» عالی ترین و ارزشمندترین تصنیفی است که در موضوع نقطه و اسرار آن تألیف و گردآوری شده است.

در هر کتابی که خواننده مطالعه می کند، نخست باید مؤلف آن را شناخته و بادید و فکر و رأی و روش او مجملاً - حتی اندک - آشنایی داشته باشد تا از آن راه بتواند هم مطالب را درک کرده و هم با اطمینان و آرامش دل، آن را - به ویژه اگر کشفی باشد و از دسترس عقول و بحث و نظر دور - بپذیرد.

حضرت امیر سیدعلی همدانی برای اهلش همانند خورشید، تابان و نمایان است و از تعریف و تعرفه بی نیاز و مستغنی، با این همه ما از کتب قدما و رشحه قلم اولیا، شرح حالی از ایشان تلفیق کرده و آن را در مقدمه کتاب مشارب الاذواق ایشان که شرحی موجز و بلند بر قصیده خمريه میمیه فارضیه است استطراد نمودیم، تا آنان که عارف به عرفان این ولی اند گرم تر، و آنان که شناختی از این عارف متأله ولی ندارند، شناسا گردیده و قدم در این بحر بی کران گذارده و گرم گردند، لذا همان شرح حال و تعرفه را در این مقدمه نقل کرده و با معرفی نسخی که در تصحیح این رساله از آنها استفاده شده، مقدمه را پایان می بخشیم^۱.

۱. در این مقدمه، چونان مقدمه کتاب مشارب الاذواق که با مقدمه و تصحیح مترجم و مصحح این رساله که در سال ۱۳۶۲ توسط انتشارات «مولی» انتشار یافته، از نقل کرامات و خوارق عادات این عارف شهیر که از شمار بیرون است - بطور کلی -

مقدمه مترجم/ پانزده

«نسخ مورد استاد در تصحیح این رساله»

در تصحیح این رساله از چهار نسخه استفاده شد و اصح را متن قرار دادیم و اختلاف نسخ را در پانویس آوردیم:

۱- نخست نسخه‌ای بود که در ضمن مجموعه کتاب انهار جاریه آمده و در سال ۱۳۴۶ هجری قمری بدست حضرت وحید الاولیا قدس سره - صاحب چاپخانه احمدی شیراز - به چاپ رسیده است که در حدّ خود نسخه مصحّحی بود، و رمز و علامت اختصار آن را «و» مشخص کردیم.

۲- دوم نسخه‌ای بود که در حاشیه کتاب مبدأ و معاد ملاصدرا در سال ۱۳۱۴ هجری قمری در تهران بچاپ رسیده است، گوااینکه کاتب و ناشر کتاب، این رساله را به ملاصدرا نسبت داده‌اند، ولی از نظر صحت، دست کمی از نسخه چاپ شیراز نداشته و در برخی موارد، اصح از آن هم بود، و رمز و علامت اختصار آن را «ط» مشخص کردیم.

۳- سوم نسخه خطی شماره ۳۹۳۹ مجلس شورای اسلامی - شماره یک - است که نسخه خوبی است ولی سقطات فراوانی دارد، و رمز و علامت اختصار آن را «م» مشخص کردیم.

۴- چهارم نسخه خطی شماره ۴۲۵۰ کتابخانه ملی ملک (آستان قدس رضوی) است که تاریخ کتابت آن ۹۰۷ هجری و کاتبش...

« خودداری کرده و تفصیل آن را به کتب تدوین یافته در این باب احاله می‌نمائیم، و ناگفته نماند که در ترتیب و تنظیم این شرح حال از کتاب روضات الجنان و جئات الجنان درویش حسین کر بلائی تبریزی که در قرن دهم هجری قمری تدوین یافته، و نیز برخی از رسایل خود ایشان برگزیده و تلخیص شده است.

شانزده / اسرار النقطه

بن عبدالله بن خضر سبزواری و در مشهد مقدس کتابت شده و نسخه‌ای بسیار عالی و اصح بود، و چون تهیه میکروفیلم و عکس از آن متعذر بود، پس از تصحیح با سه نسخه، نسخه دست‌نویس را با آن مقابله کرده و موارد اختلاف را در پانویس‌ها متذکر گردید، این نسخه روی هم از سه نسخه چاپی و خطی صحیح‌تر بود، و رمز و علامت اختصار آن را «ل» مشخص کردیم.

در ترجمه این کتاب - همانند ترجمه‌های دیگر خود - ترجمه - مطلقاً - در چهار چوب متن بوده و برای توضیح مطلب، تعلیقاتی از بزرگان این فن، و ندرتاً برخی از فواید که از خرمن خوبان خوشه‌چینی کرده‌ام، در پانویس‌ها آورده‌ام، اگر تعلیقات فراوان و حجیم‌تر از متن شد، خوانندگان بدیده اغماض بنگرند، که مطلب بلند بود و فضای ترجمه از آن کوتاهی می‌کرد، و در واقع این رساله نیاز به شرح داشت، ولی از آنجا که حدّ این کُتبه آستین، آن درازدستی نبود، حدّ خود را دانسته و پا از گلیم خویش فراتر ننهاد و در این مقام به تعلیق بسنده کرد - اگر چه در تعلیق این رساله گرانقدر هم استقصای تام نشده است - .

در این تصحیح و ترجمه بندها - چه متن و چه ترجمه - شماره‌گذاری مشترک شده که برای خوانندگانی که تمایل به تطبیق و مراجعه داشته باشند آسان باشد، ضمناً این کتاب دارای فهرست تفصیلی مطالب و فهرست آیات - که تنها شامل سوره و آیه است - بوده، و نیز دارای فهرست احادیث و اقوال و اعلام و اشخاص و اصطلاحات می‌باشد، این فهارس مربوط به بخش فارسی - چه ترجمه و چه تعلیق - بوده و خوانندگان بخش عربی می‌توانند از

مقدمه مترجم/ هفده

شماره بندهای ترجمه مطلب را بیابند.

اکنون با بیان احوال حضرت میر، این مقدمه را به پایان رسانیده، امید از الطاف الهی و اولیایش - و بویژه صاحب رساله - چنان دارم که این عمل در درگاه ربوبی مقبول افتد و در نظر خوانندگان مطلوب، بمحمد وآله الطاهرین.

هُو

بیان احوال امیر سید علی همدانی ملقب به علی ثانی

ایشان از بزرگان اولیاء و کبار عرفاء اند، که اولیای بعد از ایشان نسبت خرقه خود را به ایشان می‌رسانند، و شرافت و بزرگی او همین بس که بلقب علی ثانی معروف گشته است، و آن لقب چنانکه نوشته‌اند: از القاب معمول و مرسوم که جهت تجلیل و تعظیم و تکریم به اهل فضل و کمال گفته می‌شود نیست، بلکه خصوصیتی دارد که بدان نظر جایز نیست به مشایخ دیگر گفته آید، و شرح کیفیت این لقب و یا لقب مقتدای اعظم برای حاجی محمد خبوشانی (که از عرفای متأخر از ایشان، و همانند ایشان از اقطاب سلسله ذهبیه است) درخور فهم هر مستمع، و حوصله هر شنونده نیست، عندالحاجه مشایخ عظام به رمز و اشاره از آن بیانی فرموده‌اند.

حیدر بدخشی مرید امیر عبدالله برزش آبادی^۱ در کتاب

۱. امیر عبدالله برزش آبادی بعد از شیخ انواسحق حتلانی حانشین امیر سید علی

همدانی، و از اقطاب سلسله ذهبیه است.

مقدمه مترجم / نوزده

متقبة الجواهر، نسبت امیرکبیر سیدعلی همدانی را چنین آورده که: سیدعلی همدانی ابن سید شهاب‌الدین بن سید محمدبن سیدعلی بن سید یوسف بن سید اشرف بن سید محب‌الله بن سید محمدبن سید جعفر بن سید عبدالله بن سید محمدبن سیدعلی بن سید حسن بن سید حسین بن^۱ سید جعفر بن^۲ سید عبیدالله زاهد ابن سید حسین بن الامام الهمام علی زین العابدین بن الامام الهمام الشهید بکر بلاحسین بن علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیهم السلام، و مادر ایشان نیز علویه بوده، و از هر دوسو تبار ایشان به اهل بیت علیهم السلام می پیوندد.

حضرت میر در سال ۷۱۳ هجری ولادت یافته، و در دوازده سالگی بتوسط خال خود به نام سید علاءالدین که از اولیاء بوده وارد سلوک شده و قرآن را حفظ نمود.

نورالدین جعفر بدخشی که از خلفاء میراست در کتاب خلاصه المناقب آورده که حضرت میر می فرمودند: مرا خالی بود ملقب به سید علاءالدین و از اولیاء الله بود، و بواسطه تربیت او در صغر سن مرا قرآن محفوظ گشت، و در امور والد خود التفات نمی نمودم، بدان سبب که او حاکم بود در همدان، و ملتفت به سلاطین و اعوان، و خال من یک عالم متقی را محافظت می نمود تا من از وی فایده گیرم، چون در سن دوازده رسیدم و در حالت آن استاد متقی

۱. ایشان همان حسین بن جعفر بن ابی علی عبیدالله اعرج است که وارد بلخ شده و در آنجا فرزندان و اعقایی دارد که تمامی از پادشاهان و سادات و نقباء آن دیاراند، و عبیدالله زاهد را بدای آن اعرج می گفتند که در یکی از باهایش نقصی بود. ۲. ایشان از ائمه ربی بوده، و هواخواهانی دارد که او را تحت می نامند.

بیست / اسرار النقطه

نظر کردم دیدم که در خلوت خانه می‌رود و در صبح و رواح سر می‌جنباند، از او پرسیدم که این چه حال است؟ جواب داد که ذکر می‌گویم، باز پرسیدم که ذکر گفتن به اینطور سر جنبانیدن احتیاج هست؟ در جواب گفت که آری، این ذکر است که شیخ محمود مزدقانی مرا این چنین تعلیم داده است، پس از استاد التماس نمودم که مرا این ذکر تعلیم ده، اجابت نمود، بعد از سه‌روزی که در ذکر با او موافقت نمودم، مرا غیبتی به حصول موصول گشت، جمال جهان آرای حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله را دیدم بر بام بلندی، چون خواستم به آن مقام بروم فرمود که: ای فرزند تو نتوانی در این مقام آمدن، به نزدیک شیخ محمود مزدقانی برو تا تو را به این مقام بیاورد، چون از غیبت بازآمدم از استاد التماس نمودم که مرا به صحبت شیخ محمود مزدقانی برد، اجابت نمود، و چون به صحبت شریف شیخ مشرف گشتم و روزی چند صحبت داشتم فرمود که یا سید: اگر برای مخدومیت به این خانقاه آمده‌ای، من در خدمت تو از سرقدم سازم که مبادا مریدان در خدمت تقصیر نمایند، و اگر از برای خادم بودن آمده‌ای کفش این غلام سیاه کتاس را پیش پای او باید نهاد تا به مقصود برسی که: رسم طلب ترک هستی است، چون جهت خدمت رفته بودم به صورت ادب قیام و اقدام نمودم و خدمت قبول کردم و به حضرت شیخ بیعت کردم و ملازم خانقاه دین پناه می‌بودم، و تا یکسال ذکر می‌گفتم و حضوری نمی‌یافتم، تا روزی به نزدیک شیخ آمدم و التماس نمودم که مرا کتاسی فرماید و کتاس را در خلوت من درآورید، تا وی در آنجا به ذکر مشغول گردد، شیخ فرمود: کتاس مبرز خانقاه پاک می‌سازد و تو نفس خود